مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای ، شماره ۲۰ ، تابستان ۱۳۹۹جلد۱، ص ۴۷-۳۷
http://www.jase.ir

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای (سال ششم)
شماره ۲۰ / تابستان ۱۳۹۹ / ص ۴۷-۳۷

مصداق یابی عدالت جنسیتی در نظام جامع آموزه های قرآن کریم

زاهره میرجعفری[۱]، محبوبه قبادپور[۲]
[۱]. استادیار دانشگاه
[۲].دانشجوی کارشناسی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

نویسنده مسئول:

زاهره میرجعفری

چکیده

بحث «عدل» از مباحث گسترده و پردامنه در فرهنگ اسلام و از ضروریات مذهب شیعه به شمار می رود. از دلایل مهم این امر، تأکید فراوان قرآن کریم بر معیار و میزان بودن «عدل» در ساحت های مختلف اعتقاد، اخلاق و عمل، در اقسام الهی و انسانی است. یکی از مباحث بنیادین که در ارتباط با «عدل الهی»، همواره مورد سؤال و سنجش قرار می گیرد، بحث از «فلسفه تفاوت ها» است از جمله تفاوت های جنسیتی که از انواع تفاوت های غیر قابل انکار موجود در نظام آفرینش موجودات است. تا کنون در رابطه با عدالت جنسیتی به صورت پراکنده کارهایی انجام شده است ولی به صورت مصداق یابی در آیات قرآن کریم بررسی نشده است. این پژوهش، به مصداق یابی عدالت جنسیتی در نظام جامع آموزه های قرآن کریم، پرداخته است.

واژه های کلیدی: عدل، جنسیت، عدالت جنسیتی

مقدمه

هر نظام ارزشی، مجموعه ای از ارزش ها است که بر پایه ای از مبانی مورد وثوق نظام و به طور عام، جهان بینی آن؛ بر اساس اهمیت نسبی، مرتب شده و در یک بنای پلکانی نظم می یابند، نظام ارزشی دین اسلام بر اساس قرآن، بر جهان بینی وحیانی استوار است. جایگاه «جنسیت» در نظام ارزشی اسلام، با عنایت به آیات شریفه قرآن کریم و فرمایشات ائمه طاهرین(علیهم السلام) تعیین می شود. خداوند تعالی می فرماید: «یا ایها الناس إنا خلقناکم من ذکر و أنی وجعلناکم شعوبا وقبائل لتعارفوا إن أکرمکم عند الله أتقاکم إن الله علیم خبیر (حجرات/۱۳)؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمند ترین شما نزد خدا پرهیزگار ترین شماست. بی تردید، خداوند دانای آگاه است». جنسیت» در این فرموده حق تعالی؛ مانند تفاوت در ملل و قبائل ترسیم شده و فحوای آیه شریفه، دربردارنده نگاه عارضی به تمامی اعتباراتی چون قومیت، نژاد، رنگ و جنسیت و... است. این نگاه، از یک سو هرگونه تبعیض مبتنی بر این گونه اعتبارات را از میان می برد. و بدین وسیله ناهنجاری های گوناگون و شکاف های اجتماعی معلول این امور را برطرف می سازد و موجب وحدت، اتحاد، و تقویت انگیزه ها می شود، و از سوی دیگر زمینه رقابت و مسابقه در کسب فضایل و پاکی ها را فراهم می سازد، و چون تقوا فقط به امور فردی مربوط نیست بلکه، هر ساحت و زمینه ای (اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، هنری،...) تقوای متناسب خود را طلب می کند، قویترین و بهترین ضامن اجرایی برای اصلاح، مراقبت و پیشرفت فردی و جمعی در اسلام وجود دارد.

تا کنون در رابطه با عدالت جنسیتی به صورت پراکنده کارهایی انجام شده است ولی به صورت مصداق یابی در آیات قرآن کریم بررسی نشده است و در این مقاله به مصداق یابی عدالت جنسیتی در نظام جامع آموزه های قرآن کریم خواهیم پرداخت.

عدل

سخن از «عدل الهی» در حقیقت، پرداختن به مفهوم «عدل» در جایگاه یکی از صفات خداوند متعال است که مبنای قیام به قسط در نظام آفرینش - اعم از عرصه های تکوینی و تشریعی می باشد و در فرازهایی از قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. مانند آیه هجدهم از سوره مبارکه آل عمران که می فرماید: « شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائکة وأولوا العلم قائما بالقسط / خداوند و نیز فرشتگان و دانشمندان به یکتائی اش گواهی دهند. خدایی که بر پادارنده عدل است.»(غروی نائینی، ۱۳۹۶، ص۹).

برای مفهوم «عدل» در لغت عرب عمدتا بر مبنای مفاهیم مخالف و کاربردهای متفاوتش، معانی مختلفی مطرح شده است که به اجمال، عبارتند از:

الف) إستواء، مساوات، تقسیط علی سواء، یسوی بالآخر بالکیل و الوزن و ضد الاعوجاج (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۵۱): به معنای برابری، برابر کردن، تقسیم به مساوات و برابر با دیگری در کیل و وزن است که در برابر مفهوم اعوجاج یا نابرابری قرار دارد.

ب) الحکم بالحق و ضد الجور یا نقیض الجور (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۴۳۰): به معنای حکم یا رأی بر مبنای حقیقیت و واقعیت که در برابر مفهوم جور یا ظلم قرار دارد. و نیز ابن منظور در همین معنا آورده است: «فی أسماء الله سبحانه: العدل، هو الذی لا یمیل به الهوی فیجور فی الحکم» (همان): عدل در جایگاه صفت حق تعالی، به معنای عدم تمایل به میل و هوی در حکم دادن است.

ج) هو الأمر المتوسط بین الإفراط و التفریط أی توسط حال بین حالین فی کم أو کیف (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۴۳۳): به معنای توازن یا امری وسط در میان بیشترین و کمترین حد - اعم از کم و کیف - است.

د) الفدیه، قیمۀ الشیء و فداؤه (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۴۳۰): به معنای فدیه یا ارزش برابر با شیء است.

ه) ما یعدلک عندنا شیء أی ما یقع عندنا شیء موقعک (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۲۳۲): عدم رعایت عدل آن است که شیء در محل نامناسب با موقعیتی غیر از موقعیت خود قرار بگیرد. لذا با بهره گیری از مفهوم مخالف می توان گفت؛ تناسب موقعیت با ویژگی های شیء یا قرار دادن شیء در موضع خاص خودش، یکی از معانی عدل به شمار می رود.

تبیین مفهومی واژه «عدالت» در دیدگاه برخی از اندیشمندان نیز، بر اساس رویکرد قرآن کریم صورت گرفته است و عمدتا معانی «توازن و تعادل»، «تساوی و نفی تبعیض»، «رعایت حقوق انسانها و إعطاء هر حقی به ذی حق آن»، «میانه روی یا اجتناب از افراط و تفریط و اجتناب از پیروی هوی و هوس در رفتار و گفتار» در این راستا بیان شده است. (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۵۴).

تعریف جنس و جنسیت

جامعه شناسان تمایز مهمی میان جنس و جنسیت قائل اند. اصطلاح «جنس» بر تفاوت های بیولوژیک میان زن و مرد دلالت دارد، حال آنکه «جنسیت» ناظر بر ویژگی های شخصی و روانی است که جامعه آن را تعیین می کند و با مرد یا زن بودن و به اصطلاح «مردانگی و زنانگی» همراه است. جنس و جنسیت پیوندی آشکار با هم دارند، اما ماهیت دقیق این پیوند موضوع بحث های فراوان میان جامعه شناسان است.

واژه جنس آن گونه که در زبان عامیانه به کار می رود، مهم است، به طوری که هم به گروهی از افراد و هم به کارهایی که افراد به آنها دست می زنند، اطلاق می گردد. مثل هنگامی که این واژه در عباراتی مانند آمیزش جنسی به کار می رود. برای روشن ساختن این مطلب باید این دو معنا را از یکدیگر جدا کنیم. ما می توانیم جنس را به معنای تفاوت های زیست شناختی و کالبد شناختی میان زنان و مردان از فعالیت جنسی متمایز کنیم. همچنین باید تمایز مهم دیگری بین جنس و جنسیت قائل شویم. در حالی که جنس به تفاوت های فیزیکی بدن اشاره می کند، جنسیت به تفاوت های روان شناختی اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان مربوط می شود. تمایز بین جنس و جنسیت تمایزی اساسی است. زیرا بسیاری از تفاوت های میان مردان و زنان دارای منشأ زیست شناسی نیست (باستانی، ۱۳۸۷، ص۴۵).

مفهوم عدالت جنسیتی از دیدگاه قرآن

ارزشمندی و برتری انسان ها نسبت به یکدیگر در پیشگاه خداوند که متصف به صفت «عدل» می باشد، منوط به ملاکاتی است که برآمده از تفاوت های تکوینی و جبری نبوده، بلکه حاصل دستاوردهای اختیاری انسان در مسیر هدایت می باشد. به این معنا که همه انسان ها در منظر حق تعالی از هر جهت یکسان و برابرند و هیچ انسانی نزد او بر دیگری برتری ندارد مگر به تقوا(غروی نایینی، ۱۳۹۶، ص۱۳). در اسلام بسیاری از نقش های اجتماعی که هویتی انسانی دارند و نه جنسی یا جسمی، مثل امر به معروف و نهی از منکر، تعلیم و تعلم، دخالت در سرنوشت اجتماعی و امثال آن زن و مرد از جایگاه واحد و همسانی برخوردارند؛ هر چند در چگونگی ایفای نقش، وقتی که پای جنسیت به میان می آید، هنجارهای جنسی تأثیر خود را نشان می دهند (مثلا در میدان جنگ، نظر به جنسیت است که نقش مردان اصلی تر می باشد و در تأمین آرامش خانواده و تشویق و ترغیب به میدان جنگ زنان نقش برجسته تری دارند). به دیگر سخن در حوزه نقش های اجتماعی و رسالت های انسانی، هر یک از زن و مرد نسبت به جامعه ولایت و حق قانونی دارند و این دخالت در جامعه، نوعی سلطه و ولایت یا حق قانونی است و نشانه شایستگی زن همانند مرد است (خامنه ای، ۱۳۸۷، ص ۷۰). همچنین به بیانی دیگر، لازمهٔ نظام مند بودن کل هستی، وجود مراتب و درجات متفاوت در آن است و این امراست که، منشأ پیدایش تفاوت ها می باشد. همچنین نظام هستی با مجموعه ای از روابط علی و معلولی خلق شده، که هر یک از انواع موجودات در آن از جایگاه احسن و ویژه خود برخوردارند. قرآن کریم در ترسیم این جایگاه می فرماید: «ألذی أحسن کل شیء خلقه (سجده /۷): آنکه هر چه را آفرید، به نیکوترین وجه آفرید.» همچنین به تصریح قرآن کریم، هر شیء و پدیده در جهان هستی، مقام و مرتبه خاصی دارد: «إنا کل شیء خلقناه بقدر (قمر /۴۹): ما همه چیز را با اندازه و قدر مشخص آفریده ایم. باید گفت: وجود تفاوت میان موجودات، کثرت و تنوع ایجاد می کند و به این صورت، به وجود مجموعه یا نظام معنا می دهند. قرآن کریم، این تفاوت ها را اعم از آنکه در الوان، شب و روز، زبانها، انسان ها و ... باشد، از آیات و نشانه های قدرت حکیم و حاکم لایزال برشمرده و می فرماید: «ومن آیاته خلق السماوات والأرض واختلاف ألسنتکم وألوانکم إن فی ذلک لآیات للعالمین (روم/۲۲): و از

نشانه های قدرت او آفرینش آسمانها و زمین، و اختلاف زبان ها و رنگهای شما آدمیان است. در این امر، عبرت هایی است برای دانایان» (غروی نایینی، ۱۳۹۶، ص۱۶). استاد مطهری در بحث از «راز تفاوت ها» آورده است: «آنچه با عدل و حکمت الهی ناسازگار است و می تواند مصداق ظلم محسوب شود، تبعیض است نه تفاوت، و آنچه در جهان وجود دارد تفاوت است نه تبعیض. «تبعیض» آن است که در شرایط مساوی و استحقاق های همسان، بین اشیاء فرق گذاشته شود، ولی «تفاوت» آن است که در شرایط نامساوی، فرق گذاشته شود. به عبارت دیگر تبعیض از ناحیه دهنده است و تفاوت، مربوط به گیرنده»(مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۰۱).

اگر به تاریخ نگاه کنیم، زن در اجتماعات بدوی بشر جزء جامعه انسانی محسوب نمی شده و هیچ گونه وزن اجتماعی نداشته و چون یک «حیوان زبان بسته» با او معامله می شد. اگرچه زن در مرحله بعدی (مرحله ای که در آن شرایع و قوانین مدنی مانند شریعت همورابی در بابل، قانون روم قدیم، یونان قدیم، مقررات مصر، چین و ایران باستان وجود داشت) حقوقی برای زن به عنوان «انسان ضعیف» قائل شدند، اما در این جوامع همیشه و در همه حال زن تحت ولایت و قیمومت مرد باید زندگی می کرد و تابع مرد می شد، هیچ استقلالی نداشت؛ نه استقلال اراده و نه استقلال عمل(رودگر، ۱۳۸۸، ص۶۰). ولی با پیدایش اسلام، زن از کلیه حقوق فردی، اجتماعی و انسانی برخوردار گردید. پایه تعلیمات اسلام در مورد زن، آیاتی مانند آیه ۲۲۸ بقره «و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف» است. اسلام، زن را مانند مرد برخوردار از روح کامل انسانی، اراده و اختیار دانسته و او را در راه تکامل که هدف خلقت است، همسان مرد معرفی می کند؛ لذا هر دو را در یک صف قرار داده و با خطاب های «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» مخاطب ساخته و برنامه های تربیتی، اخلاقی و علمی را برای آن ها لازم کرده است؛ و با آیاتی مثل «و من عمل صالحا من ذکر أو أنثی وهو مؤمن فأولیک یدخلون الجنۀ» (الغافر:۴۰)، وعده برخوردار شدن از سعادت کامل را به هر دو جنس داده است(فتاحی زاده، ۱۳۹۳، ص۸).

انواع متفاوت آیات قرآن در رابطه با عدالت جنسیتی

خداوند متعال، قرآن را «للعالمین نذیرا»(فرقان، ۱) و امری جهانی معرفی کرده و همه مردم را مخاطب آیات الهی می داند و در اکثر قریب به اتفاق آیات، مرد و زن را مخاطب قرار داده است. هم تحلیل لسان مشترک قرآن درباره زن و مرد و هم تحلیل تعابیر زبانی ای که به صورت جداگانه مردان با زنان را مخاطب قرار داده است، نشان می دهد که خداوند بین زنان و مردان در ناحیه ادراک معانی، تفاوتی نمی بیند و پردازش اطلاعاتی که از تعابیر زبان قرآن به دست می آید، شاهد صدقی بر این مدعی است که اگر خداوند بین معرفت زن و معرفت مرد، تفکیک قابل توجهی می دید، این حقیقت را در نحوه مفهوم سازی و تعابیر زبانی خود در قرآن می نمایاند.

- اکثریت آیات قرآن، زن و مرد را به طور یکسان مخاطب قرار داده، ولی با تعبیرات مربوط به جنس مذکر این رابطه را برقرار ساخته است؛ «یا ایها الانسان، ما غرک بربک الکریم: ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت مغرور ساخته است؟!» (انفطار، ۶).

- معدودی از آیات قرآن، زن و مرد را به طور یکسان مخاطب قرار داده و با تعبیرات مربوط به جنس مذکر، این رابطه را برقرار ساخته است، ولی پس از انعقاد خطاب، به این که مراد آیه هر دو جنس مذکر و مونث است تصریح می نماید؛ «انی لا أضیع عمل عامل منکم من ذکر أو أنث: من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد»(آل عمران، ۱۹۵).

- گروه دیگری از آیات، با تعابیری خاص، مؤنث و مذکر را در تقابل و تعامل با هم مطرح نموده است؛ «هن لباس لکم و انتم لباس لهن: آن ها لباس شما هستند و شما لباس آن ها»(بقره، ۱۸۷). در این گونه از آیات با تحلیل صورت تقابلی با مؤنث، این مطلب معلوم میشود که افراد مورد خطاب با لسان مذکر، فقط مردان هستند.

- دسته بسیار معدود دیگری از آیات، جنس یا گروه خاصی یا فردی از افراد جنس مونث را مورد توجه با خطاب قرار داده و از جنس زبانی مؤنث هم استفاده نموده اند؛ «یا نساء النبی من یأت منکن بفاحشه مبینه، یضاعف لها العذاب ضعفین و کان ذلک علی الله یسیرا: ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکار و فاحشی مرتکب شود، عذاب او دو چندان خواهد بود و این برای خدا آسان است»(احزاب، ۳۰).

- دسته ای از آیات نیز جنس یا گروه خاص یا فردی از افراد مذکر را مورد تخاطب قرار داده است. چنانچه خداوند خطاب به موسی و هارون می فرماید: «اننی معکما اسمع و اری: من با شما هستم می شنوم و می بینم» (طه، ۴۶).

با اندک توجهی به خصائص جنس زبانی آیات قرآن، متوجه میشویم که اگر بین زن و مرد در ناحیه معرفت، تفاوت محسوسی بود، خداوند این امر را در لابلای پردازش زبانی، منعکس می فرمود. چنانچه وقتی خداوند جن و انس را که دارای دو جهان جداگانه و دو نحوه از وجود و دو عرصه معرفت و ادراک هستند مخاطب قرار می دهد، این ثنویت و جدایی را در لابلای تعابیر و پردازش زبانی آیات، تصریح می فرماید(مستقیمی، ۱۳۸۸، ص۱۳۳).

مصادیق عدالت جنسیتی در قرآن

به طور کلی از دیدگاه اسلام مبدأ آفرینش زن و مرد از گوهر واحد و مشترکی است؛ «هو الذی خلقکم من نفس واحدۀ وجعل منها زوجها: اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد»(اعراف، ۱۸۹). مقصد و هدف آفرینش آن دو، حقیقت واحدی است و هر کدام مستقلا در راستای آن خلق شده اند. و همچنین زن و مرد به یکسان شایسته جایگاه خلیفۀ الهی و عهده دار شدن امانت الهی هستند؛ «و إذ قال ربک للملائکۀ إنی جاعل فی الأرض خلیفۀ: و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت»(بقره، ۳۰)(آقاجانی، ۱۳۸۸، ص۳۵).

در مجموع می توان دسته بندی زیر را برای مصادیق عدالت جنسیتی عنوان نمود؛

۱. بعد فردی

در این بعد، باورهای درونی زنان و مردان برای تحقق عدالت جنسیتی از منظر قرآن کریم بررسی می شود.

۱- ۱. شخصیت درونی

در آیاتی از قرآن کریم که به موضوع خلقت انسان و دمیدن روح و سجده ملائکه بر او اشاره دارند، از واژگان «آدم» (اعراف/۱۱) و «انسان» (حجر /۲۷، ملک /۱۹، حج ۵۷، مؤمنون/۱۲، یس /۷۷) استفاده شده است که به بشر صرف نظر از جنسیت او باز می گردد. لذا هر یک از انسان ها اعم از زن و مرد، علی رغم تفاوت های متعددی که در عوارض جسمی و روانی در راستای ایفای نقش های مختلف و مکمل با یکدیگر در نظام خلقت دارند، متناسب با استحقاق و قابلیت وجودی خویش، از رحمت الهی در دریافت وجود بهره مند می شوند(غروی نایینی، ۱۳۹۶، ص۱۸). چنانچه در آیه ۱۳ حجرات و ۹۷ نحل آمده است؛ «هر کس عمل صالح انجام دهد در حالیکه مومن است خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می بخشیم و پاداش آن ها را به بهترین اعمالی که انجام دادند خواهیم داد»، «ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید ولی گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست و خداوند دانا و خبیر است» و نیز سایر آیاتی که به این موضوع مربوط می شوند: (غافر /۴۰)، (نساء/۱۲۴)، (نحل/۵۹ و ۵۸)،(تغاین /۲)، (انبیا۹۴)،(طه /۱۱۲)،(اسراء/۱۹)،(آل عمران /۳۶)،(رعد۸/۱۰) و (احزاب /۳۵). بر اساس این آیات؛

خلقت زن و مرد یکسان است و ذاتا برای زن و مرد بودن هیچ گونه برتری فطری وجود ندارد، ظرفیت وجودی زن و مرد برای رسیدن به صفات برتر اعتقادی، اخلاقی و سیر مراحل ایمان و کمال یکی است، شخصیت انسانی زن و مرد با هم تفاوت ندارد و مقامشان نیز در پیشگاه خداوند متفاوت نیست و تنها معیار برتری شخصیت و مقام معنوی آن هاست، مردان بیشتر با ملاک های عقلی (نیروی تفکر) عمل می کنند در حالیکه زنان بیشتر با محوریت عاطفه قدرتمند خود عمل می نمایند و اصالت آرامش به زن داده شده است، زن و مرد تفاوت های جسمانی و روانی مشخصی دارند و دو جنس مکمل یکدیگرند، تمام نفوس انسانی (زن و مرد) در اصل محترمند و شرایط حصول معرفت حقیقی برای زن و مرد یکسان است، تقوا نیز برای زن و مرد یکسان است و عامل جنسیت در آن دخیل نیست، استعداد علم آموزی در زن و مرد تفاوت ندارد(نعیمی، ۱۳۹۳، ص۸). در واقع به طور کل، قرآن کریم شخصیت درونی زن و مرد را به صورت دو فرد مکمل هم معرفی

می کند و از پوشش خاصی برای زن و مرد یاد می کند که غیر از پوشش ظاهری است؛ «هن لباس لکم وأنتم لباس لهن؛ آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید»(بقره، ۱۸۷). علامه طباطبائی در رابطه با این آیه می نویسد: آیه با استعاره لطیفی بیانگر این معنا است که هر یک از زوج و زوجه همچون لباسی، دیگری را از پیروی فسق و فجور و اشاعه آن در جامعه باز می دارند.(آقا جانی، ۱۳۸۸، ص۳۹).

۱- ۲. مسئولیت

در حوزه مسئولیت ها و رسالت های انسانی که همان ارزش ها و باید و نبایدهای دینی است، بین زن و مرد اشتراک و همسانی وجود دارد و هر دو به یکسان مخاطب اوامر و نواهی الهی اند: «إن المسلمین والمسلمات والمؤمنین والمؤمنات والقانتین والقانتات و الصادقین والصادقات والصابرین والصابرات والخاشعین والخاشعات والمتصدقین والمتصدقات والصائمین والصائمات والحافظین فروجهم والحافظات والذاکرین الله کثیرۀ والذاکرات أعد الله لهم مغفرۀ وأجرا عظیما؛ مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه دهنده و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد میکنند خدا برای همه آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است»(احزاب، ۳۵). بنابراین آن جا که پای هویت انسانی در میان است، در همه ارزش ها، نقش ها و رسالت ها، زن و مرد بدون هیچ نوع تبعیض و تفاوتی همسان و مشترک هستند و همچنین به دنبال این مسئله، همان طوری که زن و مرد در تکالیف و مسئولیت ها همسان اند، در جزاء و پاداش عمل هم همانند و برابراند. نه مرد بودن شرط اکتساب و سبب افزایش پاداش است و نه زن بودن مانع اکتساب و باعث نقص در پاداش می شود؛ «من عمل صالحا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنحیینه حیاۀ طیبۀ ولنجزینهم أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون؛ هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعا او را با زندگی پاکیزهای حیات (حقیقی) بخشیم و مسلما به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند پاداش خواهیم داد»(نحل، ۹۷)(آقاجانی، ۱۳۸۸، ص۳۶).

همچنین سایر آیاتی که به این موضوع مربوط می شوند عبارتند از؛ (نور/۳۰)، (نور/۳۱)، (حجرات/۱۲و۱۱)، (همزه/۱)، (توبه/۸۰ و ۷۰)، (بقره/۲۲۶)، (بقره/۲۸۶)، (بقره/۲۴۲)، (نساء/۱۷) که از مجموع این آیات مفاهیم زیر برداشت شده است؛

هر دو جنس زن و مرد به طور یکسان در مقابل اعمال نیک و بد خود مسئول بوده و متحمل عواقب کار خود می شوند، در لزوم حفظ عفت و پاکدامنی و ترک نگاه حرام بین زن و مرد فرقی نیست، چشم چرانی هم برای زنان و هم برای مردان حرام است، لازمه ایمان حفظ نگاه از حرام است، همچنین استفاده از استهزاء، بدگمانی، غیبت، تجسس و القاب زشت برای زن و مرد ممنوع بوده و آفت امنیت و آرامش روانی می باشد(نعیمی، ۱۳۹۳، ص۸).

۱- ۳. نیازها

در آیه ۱۸۷ سوره بقره آمده است؛ «درشب و روزه داری آمیزش با همسرانتان حلال شد ایشان پوششی برای شما و شما پوششی هستید برای آنان». سوره های (بقره/۲۲۳و۲۲۲)،(نسا۱۲۸/۱۳۰) و (تغابن۱۴/۱۵) نیز در رابطه با همین موضوع اند و از مجموع این آیات مفاهیم زیر برداشت شده است؛

اسلام به نیازهای طبیعی توجه کامل دارد، نیاز زن و مرد به یکدیگر، دو طرفه است و هر یک برای پوشش نیازهای طبیعی خود به دیگری نیازمند است، به جنس زن همچون یک بازیچه یا وسیله هوس بازی نگاه نشود چرا که نتیجه روابط زناشویی سالم، تولد فرزند صالح است، زن و مرد بایستی در حفظ اصول اعتقادی خویش قاطعیت داشته باشند و در مقابل انتظارات غیر شرعی همدیگر مقاومت کنند، هرجا سخن از حق و حقوق زن و مرد است طرفین باید حضور داشته باشند(نعیمی، ۱۳۹۳، ص۱۰).

۱- ۴. استقلال

در آیه ۳۶ احزاب آمده است؛ «هیچ زن و مرد مومن را سزاوار نیست که وقتی خدا و رسولش امری را امور خود خود را صاحب اختیاربدانند و خدا را صاحب اختیاربدانند و هرکس خدا و رسولش را نافرمانی کند به ضلالتی آشکار گمراه شده است». سوره های (بقره/۲۳۳) و (نور ۲۹-۲۷) نیز در رابطه با همین موضوع اند و از مجموع این آیات مفاهیم زیر برداشت شده است؛

حدود اختیار هر دو جنس زن و مرد تنها در اموری است که مخالف اختیار حکم خدا و رسول نباشد، انسان (اعم از زن مرد) مالکیت دارد ولی در خرج کردن محدودیت دارد، اسراف حتی در اتفاق نیز جایز نیست، دامنه استقلال و آزادی مردان و زنان تا آن جایی گسترده است که به حق همسر لطمه ای نزده و برایش مزاحمتی نداشته باشد، ورود به خانه های غیر بدون کسب اجازه ممنوع است، استقلال و آزادی در انتخاب همسر و تشکیل خانواده(همان).

یکی از مباحثی که در بحث استقلال مطرح است، مسئله ی اشتغال بانوان است؛

در اکتساب ارزش های مادی زن و مرد یکسانند. هیچ فردی را به بهانه جنسیت نمی توان از حقوق مادی اش بازداشت یا در آن تبعیض روا داشت؛ «للرجال نصیب مما اکتسبوا وللنساء نصیب مما اکتسبن؛ برای مردان از آنچه به اختیار کسب کرده اند بهره ای است و برای زنان نیز از آنچه [به اختیار کسب کرده اند بهره ای است»(نساء، ۳۲)(آقاجانی، ۱۳۸۸، ص۳۸). با توجه به مجموع آیات و روایات و سیره جاری مسلمانان معلوم می شود، حق اشتغال زنان به رسمیت شناخته شده است. آیه ۳۲ سوره نساء حق مالکیت زنان بر اموالشان را مشخص می کند و این آیه مستلزم جواز اشتغال زنان و حلال بودن درآمد حاصله از آن است؛ «للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن: برای مردان و زنان از آنچه کسب کرده اند بهره ای است». همچنین آیاتی چون: «و ابتغوا من فضل الله؛ از فضل خدا جویا شوید» (جمعه، ۱۰)، «هو أنشأکم من الأرض و استعمرکم فیها؛ او شما را از زمین پدید آورد و برای آباد کردن آن بر گماشت»(هود، ۶۱) به طور عام مردان و زنان را به سوی کار و آبادانی زمین تشویق و ترغیب می کند(آذربایجانی، ۱۳۸۸، ص۹۸).

۲- بعد اجتماعی بیرونی

در این بعد، رفتارها، نقش های اجتماعی و اندیشه های اجتماعی که قرآن کریم برای تحقق عدالت جنسیتی بر عهده دو جنس قرار می دهد، بررسی می شود.

۲- ۱. زندگی اجتماعی

در آیه ۷ سوره نساء و ۲۶ سوره اعراف آمده است؛ «برای مردان از انچه پدرو مادر و خویشاوندان از خود می گذارند سهمی است و برای زنان نیز سهمی است خواه آن مال کم باشد یا زیاد، این سهمی است تعیین شده و لازم الأداء» و «ای فرزندان آدم، لباسی برای شما فرو فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زینت شماست و لباس پرهیز گاری بهتر است، اینها همه از آیات خداست، شاید متذکر نعمت های او شوید» سوره های(آلعمران/۱۹۵)،(نساء/۷۱/۱۲/۱۱/۲۵)،(نساء/۷۵)،(نساء/۱۲۷)،(احزاب۱۲۸)،(احزاب۵۹)،(اعراف/۲۸)،(نور/۳۱)،(نور/۵۸) و (نور/۶۰) نیز در رابطه با همین موضوع اند و از مجموع این آیات مفاهیم زیر برداشت شده است؛

زنان نیز مانند مردان از حقوق اجتماعی برخوردار هستند وحمایت از حقوق آنان حکم خدشه ناپذیر خداوند است. به طور مثال خدا زنان را مالک دانسته و برایشان بهره ای از ارث قرار داده است، زنان می توانند در جامعه نقش الگویی داشته باشند و رعایت اخلاقیات، پوشش مناسب، نماز و زکات (ارتباط با خداوند و مخلوقات خداوند) در پررنگ نمودن نقش الگویی آنان بسیار تاثیر گذار است، هم مردان و هم زنان در کسب دانش و تحصیل علم مانند شناخت جوامع بشری و آشنایی به عادات و رسوم و علوم و دانش های اقوام که اندیشه انسان را زنده و فکر او را پخته می سازد از حقوق یکسانی بر خوردار هستند، قضاوت، جهاد و بر عهده گرفتن امور مملکت از نقش های اجتماعی مردان و تعلیم و تربیت و پرستاری که نیاز به دخالت عواطف دارند از نقش های اجتماعی زنان است، حفظ امنیت و دفاع از مرزها بر عهده مردان

است ولی در شرکت مبارزات اجتماعی و بیان آزادانه عقاید صحیح هم مردان و هم زنان از حقوق یکسانی برخوردارند، پوشش هم برای زنان و هم برای مردان واجب است، پوشیدن لباس های عجیب و غریب، مدپرستی توسط زنان و مردان سبب بسیاری از مشکلات اجتماعی می گردد و لباس تن نبایستی به گونه ای باشد که لباس تقوا از اندام ایشان(زن و مرد) بیرون نماید، رعایت و حفظ حدود حجاب توسط زنان برای تامین و تحکیم روابط خانوادگی لازم و واجب است، جلوه گری زنان در جامعه ممنوع بوده و حضور زن در جامعه با حفظ حجاب مانعی ندارد، لباس تن زن باید بگونه ای باشد که موجب تحریک شهوات و توسعه فساد و خودنمایی و تکبر و اسراف و تبذیر نگردد، همه مردم نسبت به مسئله نگاه و حجاب مسئولند و باید متوجه نگاه های حرام خود باشند(نعیمی، ۱۳۹۳، ص۱۱).

۲- ۲. زندگی معنوی

در آیه ی ۶۲ سوره یونس و ۲۸ سوره رعد آمده است؛ «آگاه باشید اولیا و دوستان خدا نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند» و «مومنان کسانی هستند که ایمان آورده و دل هایشان به یاد خدا مطمئن و آرام است آگاه باشید که با یاد خدا دل ها آرامش می گیرد. سوره های (نحل /۹۷) و (یونس /۶۵-۶۳) نیز در رابطه با همین موضوع اند و از مجموع این آیات مفاهیم زیر برداشت شده است؛

مقام اجتماعی و معنوی زن و مرد یکسان است و در صورتی که در مسیر اعمال صالح گام بردارند دارای حیات طیه خواهند بود و تنها از نظر ایمان و عمل صالح بر دیگری برتری دارند، شرکت در مجالس فاسد، برای هر دو جنس زن و مرد، حتی در مورد بندگان واقعی، اثر می کند، بنابراین نهی شده است، مردان و زنان با ایمان دل هایشان به یاد خدا مطمئن است و با یاد خدا آرامش می گیرد، دوستان خدا از مخالفت فرامین الهی پرهیز می کنند و نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند، اهل ایمان، آرامش روان انسان ها را در تحقق وعده های تخلف ناپذیر الهی می دانند(نعیمی، ۱۳۹۳، ص۱۲).

۲- ۳. ازدواج

در آیه ی ۲۱ سوره ی نور آمده است؛ «و از نشانه های او اینکه از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این نعمت برای مردمی که می اندیشند قطعا نشانه هایی است» و همچنین سوره های (بقره/۲۳۷ و ۲۳۶)، (بقره/۲۴۱)، (نساء/۴)، (نساء/۱۹) نیز در رابطه با همین موضوع اند و از مجموع این آیات مفاهیم زیر برداشت شده است؛

دوستی و محبت بین همسران از الطاف الهی است، پیوند زناشویی پیوندی بر اساس منافع متقابل طرفین است، مهریه یکی از حقوق مسلم زنان و یک پشتوانه اجتماعی برای زن می باشد، توجه به حقوق و نیازهای روحی و غریزی زن یک اصل است، طلاق یک راه حل است و در صورتی که ادامه همسری برای طرفین طاقت فرسا باشد، امری حلال است(همان).

۲- ۴. خانواده

در آیه های ۴۹ و ۵۰ سوره شوری آمده است؛ «مالکیت آسمان ها و زمین از آن خداوند است، هر چه را بخواهد می آفریند و به هر کس اراده کند دختر می بخشد و به هر کس بخواهد پسر یا اگر اراده کند پسر و دختر هر دو به آنها می دهد و هر کس را بخواهد عقیم می گذارد». همچنین سوره های (نور/۱۰-۴)، (نساء/۱۹)، | (نساء/۳۴)، (انعام/۱۵۱)، تحریم /۶)، (کهف/۴۶)، مع ارج /۲۸- ۲۲)، (آل عمران/۱۴)، (کهف/۷) نیز در رابطه با موضوع خانواده اند و از مجموع این آیات مفاهیم زیر برداشت شده است؛

زن و مرد هر دو به یک اندازه در حفظ حریم خانواده و سلامت آن مسئول هستند و در صورت خیانت به یکدیگر به صورت یکسان مجازات می شوند، به دلیل ترجیح قدرت تفکر مرد به نیروی عاطفه و احساسات و داشتن بنیه و نیروی جسمی بیشتر از زن، مرد سرپرست و رئیس خانواده است، تامین هزینه های زندگی و فرزندان بر عهده پدران است، زن و مرد در برابر همدیگر و فرزند و نسل خود متعهد هستند و باید برای عاقبت نیکوی فرزندان تلاش کنند، دختر و پسر هر دو هدیه خداوند است و ناخرسندی از داشتن فرزند دختر و پسر کفران نعمت الهی است، در تعارضات زناشویی نمی بایست فرزندان، دخالت داده شوند، زن و مرد اگر از صفات و خصوصیاتی از همسر خود ناراضی هستند می

بایست اختلافات را از طریق عاطفی حل کنند و اسرار زناشویی نباید فاش شود، تعارضات و تنش های بوجود آمده در زندگی زوجین، بایستی از طریق حکم حل شود و زن و مرد در انتخاب داور و حکم حق یکسان دارند، زندگی جدای زن و مرد از یکدیگر به صورت موقت و در خانه های جداگانه بیش از چهار ماه مجاز نیست، وجود روابط فرازناشویی هم برای زنان و هم برای مردان منفور شناخته شده و شامل مجازات می گردد و این مجازات برای جلو گیری از الگو شدن یک رفتار نابهنجار در ملأ عام انجام می شود، در روابط فرازناشویی ، هر دو طرف زن و مرد به یک میزان مجازات می شوند، زنا در کنار شرک قرار گرفته است، از حقوقی که یک مرد در آستانه مرگ بایستی رعایت کند، پرداخت هزینه های زندگی زن تا یکسال است(همان).

به دنبال آن، به طور کلی، با مشاهده آیات قرآن پیرامون وظایف زن و مرد در نظام خانواده با دو دسته آیات مواجه می شویم. در دسته اول اگر قرآن کریم در یک جا برای زنان یک وظیفه خاص بیان کرده، در مقابل برای مردان هم یک وظیفه خاص بیان کرده است؛ مانند همین آیه ۳۴ سوره نساء الرجال قوامون علی النساء.. فالصالحات قانتات حافظات الغیب به ما حفظ الله...» که قوامیت وظیفه مردان و قانت و حافظ بودن وظیفه خانم ها است. یا آیه ۲۲۳ سوره بقره و الوالدات یرضعن أولادهن حولین کاملین... و علی المولود له رزقهن و کوته بالمعروف» که به خانم ها توصیه شده به فرزندان خود شیر دهند و در مقابل هم آقایان وظیفه تأمین مایحتاج خانم بر عهده دارند.

در آیه ۳۴ سوره نساء، قوام به معنی قیام کننده کامل به امور و اعمال و تدبیر و تنظیم کننده زندگی فرد دیگر است. این کلمه بر جهات دیگر مانند برتری و بلندی مقام و بار و حاکمیت و تسلط و نفوذ دلالت ندارد. قرآن کلمه استواری را به کار گرفته برای تعبیر از بردباری مردان در تنظیم شئون زنانشان به شکل مستمر و این لفظ معنای مسئولیت همه جانبه در شئون زنان را دارا است. قوامیت وظیفه ای است که نظام زندگی بین زن و مرد اقتضای آن را دارد. برخی بر این باورند که این نوع تقسیم مسئولیت برخاسته از طبیعت زن و مرد است و اگر زن سرپرست و مرد تابع او باشد این خلاف طبیعت هر دو است. فرد «استوار » کسی است که به مرحله ای از زندگی رسیده باشد که در جایگاه خود پایدار و ثابت قدم باشد، بدون اینکه به دیگری تکیه کند. پس او در تدبیر کارها و برطرف کردن نیازهای زن دارای اشراف است. گفته شده که زن همچون بوته نیلوفر است که طالب چوب خشک و عریانی است تا آن را از گل و سبزه بپوشاند. اگر چنین دیواری را نیابد خشک و نابود می شود. زن محتاج به نقطه ثابتی است که از هیجانات دائمی بدان پناه برد او محتاج به نیروی است که قوای او را در نقطه واحدی تمرکز داده و در جهت معینی به حرکت و فعالیت وادارد. از مجموع این مطالب می توان گفت که فرد استوار دارای این مشخصات است: توانایی و قدرت و احاطه کامل بر کاری، استوار بودن وظیفه، خوب تدبیر کردن کارها، انجام کارها بدون اجباری که برطرف مقابل وارد کند، مداومت و ثابت قدم ماندن در امور و خود به دیگران وابسته و نیازمند نبودن و دوم از این جهت که کار استواری مربوط به امور و شئون و نیازها و مایحتاج زنان است، با توجه به داشتن خصوصیات فوق الذکر باید آن ها را انجام دهد. بنابراین مراد از «قوامون» این است که مردان برطرف کننده نیاز زنان می باشند که در صورت برطرف کردن نیازهای زنان، نیازهای خودشان نیز برطرف می شود.

دسته دوم آیاتی که رابطه زن و مرد را به طور کلی بیان کرده، مثل ایجاد آرامش برای همدیگر (الروم: ۲۱)، لباس یکدیگر بودن (البقره: ۱۸۷) و یا نجات دادن اهل خود از آتش جهنم (التحریم: ۶)، که در همه این موارد زن و مرد وظیفه ای یکسان در قبال هم دارند(فتاحی زاده، ۱۳۹۳، ص۳۱).

نتیجه

آموزه های قرآنی به وفور بر برابری ارزش انسانی زن و مرد تصریح کرده اند. آیاتی که زن و مرد را از یک جنس (نساء/۱)، در زمره صاحبان اندیشه و برخوردار از نتیجه اعمال صالح و مستحق حیات طیبه و بهشت جاویدان می دانند (آل عمران/۱۸۹- ۱۹۵، نساء/۱۲۴ ، نحل /۹۷، غافر /۴۰ و ...)، در کنار فرازهایی که مردان و زنان مؤمن را یاوران هم و مسئول گسترش دین می شمارند (توبه /۷۱)، و آنان را دارای مسئولیت مشترک و دشمن مشترک می دانند (بقره/۳۵، اعراف/۱۸-۲۲، طه/۱۱۷-۱۲۱)؛ جایگاه مساوی زن و مرد را در نزد پرودگار نشان می دهند. برخی از آیات قرآن نیز در نشان دادن جایگاه زنان پای را فراتر می نهند و برخی از زنان را اسوه ای مثال زدنی برای تمام انسان ها از جمله مردان می شمارند.(تحریم /۱۱).

در نظام ارزشی اسلام؛ «جنسیت» که به ساحت جسم انسان اشارت دارد، به مثابه ابزاری در خدمت انسان ها و در راستای تحقق هدف غایی خلقت آنان می باشد. از این رو میزان ارزشمندی انسان ها در این دیدگاه، وابسته به میزان اعمال آن ها در ترازوی تقوا، ایمان و عمل صالح است. با توجه به آیات الهی، جنسیت نمی تواند مبنای کمال یا نقص اخلاقی با برتری یک جنس بر جنس دیگر از جهت منزلت اخلاقی و انسانی گردد. به بیان دیگر، جنسیت امری غیراختیاری و تکوینی است که نمی تواند موجب تشدید یا تخفیف کرامت طبیعی انسان بوده، انسان مذکر را گرامی تر از انسان مؤنث یا بالعکس گرداند؛ همان طور که اشخاص نباید تاوان جنسیت خود را بپردازند و یا به صرف بهره مندی از جنسیت خاص، درجات ارزشی و اخلاقی والاتری نصیب آنها گردد. پس از اشتراک همه انسان ها در انسانیت، همه به مقتضای عدالت الهی از حرمت و کرامت تکوینی واحدی بهره مندند و انسانیت مردانه تفاوتی از این جهت با انسانیت زنانه ندارد. آنچه خداوند برای زن و مرد ارزشمند دانسته است متناسب با ظرفیت ها واستعداد های طبیعی است که در درون هر یک از انها به ودیعه نهاده است و این تناسب و هماهنگی است که ضامن تحقق عدل الهی است. همچنین در نگاه توحیدی و الهی، هدف، انجام فرمان ها الهی است و هر فرد اعم از زن و مرد می بایست وظایف خود را شناخته و به نحو احسن آن را انجام دهد. اگر در جوامع اسلامی مردان نسبت به زنان دیدی ناقص و نازیبا دارند نمی بایست آن را به برخی آیات و دستورات قرآنی ربط داد و آن ها را مختص شرایط و زمان نزول دانست. خداوند به هر موجودی تمام مواردی که جهت رسیدن به کمال لازم دارد را عطا کرده است. در زندگی خانوادگی و زناشویی نمی بایست نقش مکملی زن و مرد را فراموش کرد. در صورت فراموش کردن این نقش، چه بسا ممکن است بسیاری از آیات را منافی حقوق زن بدانیم.

کتاب نامه

ابن منظور، محمدبن مکرم، **لسان العرب**، چاپ سوم، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق، جلد۱۱.

آذربایجانی، مسعود، «عدالت جنسیتی و اشتغال زنان»، **مطالعات راهبردی زنان**، زمستان ۱۳۸۸، شماره۴۶(علمی پژوهشی/ isc).

آقاجانی، نصرالله، «چالش فمینیسم با عدالت جنسیتی»، **مطالعات راهبردی زنان**، زمستان۱۳۸۸، شماره۴۶(علمی پژوهشی/ isc).

باستانی، سوسن، **جنسیت، فرهنگ، ارزش ها و نگرش ها**، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۷.

خامنه ای، سید محمد، **فلسفه زن بودن**، چاپ دوم، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۷.

دیلمی، احمد، «جنسیت و هنجار اخلاقی در قرآن و روایات»، **اخلاق وحیانی**، پاییز ۱۳۹۱، شماره۱.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ القرآن**، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ق.

رودگر، محمدجواد، «عدالت جنسیتی از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری»، مطالعات راهبردی زنان، زمستان ۱۳۸۸، شماره۴۶(علمی پژوهشی/ isc).

غروی نائینی، نهله؛ کاردوانی، راحله، «فلسفه ی تفاوت های جنسیتی از منظر عدل الهی»، **سفینه**، تابستان ۱۳۹۶، شماره ۵۵(علمی ترویجی/isc).

فتاحی زاده، فتحیه؛ افسردیر، حسین، «ارزیابی و نقد مدخل جنسیت از دائره المعارف قرآن لیدن»، **مطالعات زنان و خانواده**، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، دوره دوم، شماره۲(علمی پژوهشی/ isc).

مستقیمی، مهدیه السادات، «نقد نابرابر انگاری افراطی جنسیتی در معرفت شناسی فمینیستی»، **مطالعات راهبردی زنان**، زمستان ۱۳۸۸، شماره۴۶(علمی پژوهشی/ isc).

مطهری، مرتضی، عدل الهی، چاپ هفتم، تهران: صدرا، ۱۳۷۲.

نعیمی، ابراهیم؛ شریعتی، سید صدرالدین، «الگوی مشاوره ای حل تعارضات زناشویی مبتنی بر دیدگاه های جنسیتی قرآن کریم»، **فرهنگ مشاوره و روان درمانی**، تابستان ۱۳۹۳، شماره۱۸، علمی پژوهشی/ isc).